

## مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام  
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی  
ویومیة (جلالتین)  
(عنوان مراسلات)  
طهران خیابان لاله زار  
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی  
دیر اداره آشیخ بچی کاشانی  
غیر از روزهای جمعه همه روزه  
طبع و توزیع میشود

## یومیة

## سَمَلَاتِین

۱۳۱۱

## طهران

## قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران  
سایر بلاد داخله ۴۵ قران  
روسیه و قفقاز ۱۰ منات  
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک  
(قیمت يك نسخه)  
در طهران يكصد دینار  
سایر بلاد ایران سه شاهی است  
قیمت اعلان سطر  
دو قران است

(روزنامه یومیة ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعة)  
(بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است و مطلقاً مسترد نمی شود)

یکشنبه ۲۸ ذی الحجه ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۶ بهمنماه جلالی ۱۲۹۹ و ۲ فوریه ۱۹۰۸ میلادی

(نسبة سلطان برعية چیست و نسبة رعية باسلطان چه)  
در این باب گفتگو بسیار است و تشبیهات بی شمار  
هر کسی را عقیده است و هر انسان را اعتقادی لیکن سبایون  
و حکماء در این مقام تشبیهاتی نموده اند و تمثیلاتی آورده اند  
جمعی گویند نسبة سلطان برعية نسبة پدر است و فرزند  
طایفه گویند نسبة سلطان برعية نسبة شبان است و کوسفند  
بعضی گویند نسبة سلطان برعية نسبة کشتیبان است  
و فرزند (کشتیها) و محققین از حکماء و سبایون در  
تشریح و توضیح این مطلب مثال خون آورده اند و بیان  
خوشی کرده اند! آن مثال چیست و آن بیان چه —  
گویند نسبة سلطان با رعیه نسبة روح است به بدن روح  
بی بدن در این جهان حکمی ندارد و تصرفی نکند سلطان  
بی رعیه در آن مملکت که بی رعیه است حکومتی نکند  
و باجی نستاند روح بی بدن در این عالم تعیشی نکند و تونسی  
تنباید سلطان بی رعیه در آن مملکت که بی رعیه است خوشی  
نه بیند و در نظر علماء حقوق از او اسی برده نشود —  
از این بیان نسبة رعیه باسلطان نیز معلوم شد چه رعیتی  
که سلطان از خود ندارد قالی است بی روح و جسمی است بی جان پس  
سلطان بی رعیه در نظر ارباب عقول شایسته ندارد و رعیت بی سلطان در  
عدا دملل مینماید بشمار آید؟ تکلیف سلطان با رعیه چیست و تکلیف رعیه  
با سلطان چه — تکلیف سلطان با رعیه تکلیف روح است  
بدن چنانچه روح با تمام اعضاء بدن یک نوع ارتباط خاصی  
دارد که هیچ عضوی از حیثه تصرف وی خارج نیست و  
بتمام اعضاء بدن محتاج است و در وقت احتیاج هر عضوی  
را با امری فرمان رواست همچنین سلطان باید با تمام آحاد  
رعیه یک ارتباط خاصی داشته باشد که هیچ فردی از رعیه  
از حیثه فرمان او خارج نباشد و در زمان احتیاج هر

فردی را با امری فرمان فرما باشد چنانچه روح هر یک از  
اعضاء بدن را فاسد دید و فساد او را فهمید که علت فساد  
باقی اعضاست بآلة قطاعه او را از خود دور میسازد و  
همچنین سلطان هرگاه یکی از کار کذا را از خود را دید که  
مغرض است و موجب آشوب مملکت و فتنه و فساد درین  
مملکت و دولت است باید او را نادیده بنکرد و جدا او را نابود سازد  
تا مآله باقی ماند — چنانچه هرگاه روح یک عضو ضعیفی  
از بدن را مفلوج مشاهده کند و در تحت فرمان خود ندیند  
صرف نظر از باقی نمیکند همچنین سلطان هرگاه یکی از افراد  
مملکت از روی جهالة بعضی تعصبات سوء کند از باقی مملکت  
صرف نظر کند چنانچه روح از برای بقاء خود قوای خود را  
به قسم منقسم نموده (عاقله — شهویه — غضبیه)  
یکی مقننه (عاقله) و این قوه را در ضمن دو مستخدم قانونی  
(متخبله — متصرفه) مقرر داشته و دو قوه دیگر را  
(شهویه — غضبیه) مجرب و این دو قوه را در ضمن  
حکومت مستخدم اجراییه قرار داده (لامسه — ذائمه — باصره  
سامعه — شامه — حس مشترک — و اعمه حافظه) و هر  
یک را ضامن صحت عمل دیگری مقرر فرموده همچنین سلطان  
از برای بقا سلطنته باید قوای مملکت را به سه قوه منقسم کند  
(مقننه — داخله — خارجه) و قوه مقننه را بدو  
مجلس مقرر دارد (شوری — سنا) و آن دو قوه  
دیگر را (داخله — خارجه) بهشت وزارت تقسیم  
فرماید (داخله — خارجه — مالیه — جنک  
عدلیه — معارف — تجارت — فوائد عامه) و هر  
یک از وزارت خانها را در عهده کسی شناسد و هر یک را  
مسئول دیگری بداند تا سلطنته بی زحمت برقرار و پاینده باشد  
و رعیه در ظل لوأ امن و عدالة اسوده خاطر بسر برند

هرگاه بخواهیم تکلیف سلطان را بارغی شرح دهیم که تکلیف رعیه با سلطان نیز معلوم شود متنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد لیکن غرض از این بیان آن بود که بذروه مقدسه استان سلطنت که روح مملکت است بقدر وظیفه شخصی چند کلمه بلسان الکن عرض شاه پرستی خود را اظهار بداریم و بگویم ای روح مایه و ای پاسبان رعیه و ای کشیشان مملکت بحقیقه اسلامیت و بشرف انسانیت قسم است که افراد این مملکت که بی غرضند در پیشرفت مقاصد مشروطیه غیر از بقا سلطنت ایران چیز دیگر نخواهند تمام رنجها و زحمتهای برای این است که تحت خسروی و تاج کیانی در ایران برقرار باشد ای صاحب تاج کیانی و ای مالک تخت خسروی قسم بذات یگانه الهی که غرض این مایه در پیشرفت مقاصد مشروطیه غیر از این نیست که شاهنشاه خود را امپراطور اعظم کل ممالک آسیا بشناسند و بقدرت سلطان خویش بر سایر ممالک عالم اقتضار کنند ای وارث سلطنت پشدادیان و ای نگاهدارنده زمام سی کرور مسلمانان قسم بحقیقه محمدی که غرض این مایه در پیشرفت مقاصد مشروطیه غیر از این نیست که اساس ملیه و بنیان ایرانیت و احکام اسلامی را مستحکم کنند — ای شاهنشاه مملکت و ای حافظ حقوق مایه قسم بولی عصر که غرض این مایه در پیشرفت مقاصد مشروطیه غیر از این نیست که زحمات سلاطین سابقه انارالله برهاتم از برای بقا مملکت و ترویج مذهب اسلام و نشر گه عدالت در هدر نباشد و مسیحی مذهبیان هتصد کرور مایه اسلام را بنده خود نشناسند اعلیحضرتا هرگاه بنظر دقه بنکریم می بینیم که اگر هزاران سال تشکر مراسم ملوکانهات را کنیم در باب امضا رساندن قانون اساسی در عهد شاهنشاه سعید انارالله برهاتم و امضاء نمودن متمم آن هنوز از عهده وظیفه خود بر نیامدیم با این عذوقه و رعیه خواهی چه شد که یک دفعه چشم از این مایه شاه پرست پوشیدی و صرف نظر از رعیه پروری نمودی عقیده ما این است که فطرت شاهنشاه غیر اسودگی بنا مملکت چیز دیگر حکم نکند و وجدان سلطنته غیر امنیت مایه چیز دیگر نطلبد و در خیال رعیه غیر شاه پرستی چیز دیگر خطور نکند و در عقل این مایه غیر سلطنته خواهی چیز دیگر نرسد چه شد که یک دفعه امید اسناد مملکت و افراد مایه از رعیه خواهی شخص سلطنته قطع شد ای پدر تاجدار و ای سایه پروردگار اول کسی که شجره مشروطیه را در این مملکت کشت جد عالمقدرات بود یعنی آن جوانمرد بیگانه و آن وطن خواه فرزانه امیر کبیر ( امیر اتابک اعظم ) شکرانه مساعیه و اول کسی که بهیمة بلند این درخت تونهارا آبیاری فرمود پدر تاجدارت بود یعنی آن شاهنشاه عصر و آن

یگانه دهر اعلیحضرت ( مظفر الدین شاه ) انارالله برهاتم که نام نیکش را در صفحات روزگار بقیر خوبی ذکر نکنند و اول کسی که توجه باین شجره طیبه مشروطیه فرمود که تا پرومند شود و ایرانیان از نمزش برخوردارند و از ذلته اروپائیان برهند ذات مقدس ملوکانهات بود چه شد که بی جهت و سبب آزوده خاطر کشی و از این مقصود دل سرد شدی همانا جمعی از دشمنان دولت نما اطراف آستان مبارک ترا احاطه کرده اند و خیال مقدسرا از این مایه شاه پرست مشوب نموده اند اعلیحضرتا بذات اقدس ملوکانهات قسم آنچه ما مفهمیم اینست که این جماعه غیر فتنه و خونریزی چیز دیگر بسر ندارند و غیر آشوب طلبی و اغتشاش خواهی چیز دیگر نخواهند و خیال این جماعه غیر از این نیست که همیشه سرچشمه حیات مایه و دولت کل آلود شود تا بمقصود خویش نائل گردند خواه مملکتی بنامد یا نماند خواه سلطنتی باقی باشد یا نباشد — اعلیحضرتا هر که اراده اقدس ملوکانهات تعلق گیرد که از اوضاع رعیه با خبر باشی و مقدر شاه پرستی ملت را مشاهده کنی و ترقی و تنزل ملک و مملکت را ملاحظه فرمائی باید غدقن نمائی که برده حساب بین جسم و جان را ( رعیه و سلطان ) بردردند و با وعام دهی تا عموم شاه پرستان و مایه خواهان باستان مقدست مشرف شوند و آنچه را که صلاح ملک و مملکت است بجز عرض رسانند و روشنت بجز عرض اقدس همایونیت اظهار میدارم که تا پادشاه با رعیه آمیزش نکند مملکت آباد نشود و دندان طمع اجانب کند نگردد خصوص مایه ایران که هر گاه یک قدم از پادشاه اقبال به بینند در هر ساعتی هزاران جانتدای سلطان کنند تاریخ دنیا بنا نشان میدهد که هیچ مملکتی آباد نشد مگر آنکه پادشاه با عموم افراد مایه خود یک نوع ارتباط خاص و ملاحظه مخصوصی داشت بواسطه این صفت بود که اسکندر مقدونیا نصف روی زمین را متصرف شد . بواسطه این صفت بود که انوشیروان اکثر آسیا را متصرف شد . بواسطه این صفت بود که خلفاء اسلام با جمع قلیی شرق و غرب عالم را متصرف شدند . بواسطه این صفت بود که شاه اسمعیل صفوی بان جبه و جلال رسید . بواسطه این صفت بود که نادر شاه افشار از رعیتی بیادشاهی نائل گشت . بواسطه این صفت بود که کریم خان زند بان مقام منع رسید . بواسطه این صفت بود که آقا محمد شاه آمل ایران مدار شد . بواسطه این صفت بود که میکاد و خود را در عداد بزرگترین امپراطورهای دنیا قرار داد . بواسطه این صفت بود که بطر کبیر مملکت روس را یکی از ممالک بزرگ عالم مقرر داشت این بود خلاصه عرض دولتخواهی ما ( اقل اهل العلم محمد علی الطهرانی )

خلاصه مذاکرات دارالشوری پنجشنبه ۲۵ ذیحجه  
امروز جنابان آقا میرزا محمد علی خان و فلتک المعالی  
بسمت نمایندگی از کیلان وارد مجلس مقدس شده بمذاکره  
واظهار تحت اعتبار نامه عموماً تبریک و تهنیت گفتند  
چند ماده از قانون متوقفات قرائت و مباحثه و  
مذاکرات زیاد شد

رقعه از طرف وزیر جنک قرائت شد که در باب  
قاتل ارباب فریدون خواسته شده بود اقدامات مجدانه و لازمه  
شده هر وقت صلاح بدانند اطلاع داده حضور بهم رسانیده  
توضیحات بدهم

گفته شد که قرار بود تا سه شنبه مجازات بدهند  
حالا تازه میخواهند بیایند توضیحات بدهند پس مجازات  
کی داده خواهد شد

اظهار شد که مجازات این اشرا را فقط برای قتل ارباب  
فریدون نیست که در این رقعه اشعار داشتند بلکه برای آن  
شرارت و کارهایست که نزدیک بود مملکت را بیاد بدهند و  
هزارها نفوس تلف شود این اشخاص حکم محارب را  
دارند و باید مجازات شوند

گفته شد که روز شنبه وزیر جنک بیاید و حضوراً  
این صحبتها را بشود قرار بر همین شد بعضی گفتند که روز  
شنبه توضیحات داده میشود و روز سه شنبه هم که محرم است  
دیگر مجازات باین زودیهها معلوم نیست داده شود  
گفته شد که حدود الهی را در هر زمانی میشود  
اجرا کرد (مجلس ختم شد)

### ﴿ تلکراف از کاشان ﴾

توسط جریده مجلس و جبل المتین و صبح صادق  
روح القدس حضور مبارک حضرتین حاجتین و وکلای مآه  
دامه برکاتهم مدت است حسین پشت مشهدی و فرزندانش  
با جمعی از الواط و اشرا را متحد شده بعضی را بدهات  
و اطراف شهر فرستاده جمعی را بشهر نگاهداشته سد طرق  
را نموده تا کتون اموال بسیار از شهر و دهات غارت  
کرده شب و روز مشغول سرقة و تعدی و جیرند زنان  
محترمه را منازل خود برده دست بی عصمتی بنامو شان  
دراز کرده از اموال مسروقه متجاوز از صد تنگ پنج  
تیره و غیره و بسیاری آلات و ادوات حریره تحصیل  
کرده شلیک میکند از صدای تنگ اهالی بد شب خواب  
دارند و نه روز آرام احدیرا قدرت ممانه نیست علاینه  
پیغام میدهند بتمولین که فلان مبلغ را اگر ندهی تمام  
امواله غارت و خودت کشته میشوی کما اینکه بسیاری  
کرده اند شش ماه متجاوز است آنچه تظلم و فریاد بولبای  
امور چه بوزراء و چه بمجلس مقدس بانواع مختلفه از  
تعدیات و اجحافات از عامه مآه شده و استدعای حرکت

چند نفر سوار نموده ابا فایده بخشیده تظلمات اهالی  
و رسیدن جواب بر تجری آنها افزوده تا اینکه شب  
گذشته بسیاری از خانها را غارت کرده روز روشن در  
شارع عام چند نفر نسوان عقیقه محترمه را عبور آورده اند  
از این حرکت هیجان غریبی در عامه اهالی پیدا شده رشته  
صبرشان پاره گشته عموم شهر و کسبه دکان و کاروان  
سراها را بسته علما مساجد را تعطیل رعایای اطراف  
شهر از دحام نموده در مدرسه سلطانی اجاع کرده  
برهت جامه بتلکرافخانه ریخته ناله و زاری مظلومین دل  
سنگ را کباب میکند شرح تعدیات و ظلم و اجحاف  
آنها را بمجلس مقدس و وزارت داخله مخبره کردیم  
و استدعای امر بحرکت چند سواز معجلا از برای قلع  
و قمع ریخته این مستبد خواستیم از تلکرافخانه عودت  
بمدرسه کردیم این حرکت باعث بر تجری آنها شده  
نوید قتل و مشغول شلیک هستند کلوله مثل تکرک میبارد  
قلوب عامه اهالی خاصه اطفال و نسوان متزلزل است  
و وکلای مآه را بولی عصر عجل الله فرجه قسم میدهم  
بعد از یکسال تظلم و فریاد و ناله و فغان فریاد ما بخارکان  
و مظلومین برسد معجلا رفع اشرا را بفرمائید فی الفور  
مقداری سوار روانه کنند والا مان و جان و عرض  
و ناموسمان در خطر است تا سوار از طهران حرکت  
کند هیچ کدام خروج از مدرسه سلطانی را جرئت نداریم  
(عموم سکنه و محوطه کاشان)

عرض حال عموم مخلوق کاشان از قراری است که  
بعرض رسانیده اند تمام در تلکرافخانه حاضریم  
(احقر حبیب الله، نظام الدین، و سایر علما و اعیان)  
(بتاریخ ۲۴ ذی حجه)

### ﴿ جبل المتین ﴾

اگر این وضع است و این ترتیب بسی ناپدید نیا  
خواهیم دید و ناشنیدنیا خواهیم شنید اگر روزی هزار  
از این اخبار موخش از ولایات و اطراف برسد و تمام  
صفحات این مملکت پراز انقلاب و شورش شود (چنانکه  
شده است) و متصل از سرحدات تلکرافات قتل و غارت  
برسد چیزیکه ابا بخاطر ظهور نمیکند امنیه مملکت و  
و آسایش رعیه است و مطلقه بفکرش نمی اقسیم رفع  
تساق و غرض شخصی و ملاحظه نوع و تبع عمومی و  
نکهداری مملکت و ترحم بمله است همواره فرد فرد میکنیم  
من مشروطه خواهم . من طالب عدل و دادم . من  
نکهبان دولتم . من وطن پرستم . من خیر خواه ملت  
من مؤسس عدالتم . من خواهان قانونم . خدا رحم کند  
باین همه حامد و اینهمه مفسد با اینقدر مکارم و این اندازه مظالم  
نهاد روسی میکنیم . نه فریاد کسی میرسیم . نه بملکت ترحم . نه

این وطن عزیز است حلاهم بالتماس و فریاد میگوئیم  
ای مسلمانان ایزد را برجال ای بزرگان ای اعیان ای حجج  
الاسلام که قائد و پیشوای امتیاز برای خاطر خدا برای  
رضای رسول یکروز جمع شوید نقشه این انقلابات بی درین  
رأبش گذارید ساعتی تفکر کرده به بینید چه باید کرد بکدام  
وسيله باید این مملکت را نگهداشت بکدام قوه باید رفع این  
خرابیهارا کرد والله مملکت از دست میرود بالله ماله محو  
میشود تانہ دولت نابود میگردد بحق حق قسم این عزت  
و استقلال جزئی فنا می پذیرد بخدا اگر یکسال مملکت  
باینوضع بماند سنک روی سنک بند نمیشود بالله ایران  
قابل همه قسم توجه است از ما نوشتن است مینویسیم از  
ماله خواندن است میخواند از وزراً عمل کردن است رفتار  
نمیفرمایند — چهار ماه است فریاد اهالی کاشان از ظلم و  
شرارت نایب حسین بشمام دنیا بچیده ولی بخرج جناب وزیر  
داخله ترفه است نمیدانیم حاله هم که این آتش شعله است  
خوشک و تر را با هم میسوزاند برای نجات آن بیچارگان  
ده سوار روانه خواهند نمود یاخبر

### ﴿ اعلان ﴾

چون مسوع شد که بعضی از اعضای فاسد انجمن به  
بعضی جاهارفته بیاره اظهارات یا بعضی تقاضا کرده اند  
وکاهی بعضی کاندیدهای محمود بمر انجمن ابراز کرده و  
میکنند لهذا لزوماً اعلان می کنیم که اظهارات هیچ یک  
از اعضا حتی امناً بدون ابراز مأموریت نامه از طرف انجمن  
( محمود بمر شخصی مدیر یا نایب مدیر و منشی و مهر  
انجمن ) طرف اعتنا و لایق قبول نیست و مهر انجمن  
به تنهایی بدون امضای نایب مدیر در هیچ جا پیش اشخاص  
یا انجمنهای من یا ادارات سندیت ندارد و دلیل قلب است  
و از درجه اعتبار ساقط است کریکی از اعضا بدون سند  
موصوف تا حال اظهار کرده یا بعدها بکند برطرف مقابل  
است که برای خدمت ممتد و رضایت انجمن اظهار کنند  
تا یتیمز الخیث من الطیب آشکار گردد و بدانند که انجمن  
محترم آزان اظهارات و اقدامات خبر نداشته و ندارد

( انجمن اتحادیه آذربایجان )

### — بشارت —

بنا بر خبر تلگرافی که از رشت با داره رسید ده نفر از  
اشرار و الواط میدان توپخانه که فرار نموده بودند منجمه  
از آنها فرزند ناخلف ققیب بوده در رشت گرفتار شده اند  
و مغلولاً بطهران روانه اشان کرده اند

### ﴿ اعلان ﴾

مسیو ریکوپولس معلم زبان آلمانی و معلم موزیک  
هرکس میل دارد بیاموزد حاضر است ( هوتل انگلیس )  
( حسن الحسینی الکاشانی )

برعه امنیه میدهم . نه از زوال دولت می ترسیم . نه بر  
اضمحلال ملة غصه می خوریم . نه بفکر ضعف هستیم .  
نه بدرد رعایا می رسیم . نه در صدد جلوگیری فتنه بر  
می آئیم . نه درین اجرای قانونی هستیم !!! دوسال  
است مملکت مشروطه شده است روز بروز بدتر می شود  
و ساعه بساعه فتنه و زوال زدیکتر می گردد ( ای دو  
صد رحمة بر استبداد باد ) در عرض این دوسال ملبونها  
ما ملة فقیر متضرر شده ایم بملایه آنکه صدکروور  
از داد و ستد و تحصیل منفعت باز مانده ایم و بدیتر از  
ده هزار نفس محترم ما از شو می اغراض بقتل  
رسیده اند و جقدر عصمة مسلمانان بیاد رفته باز بدل سنک  
وزراء ما اثر نمیکنند و بفکر بیچارگی ما رعیة مظلوم نمیافتنند  
پناه بر خدا منکه از جام سیر شده ام و از زندگی باین  
مذله بیزارم هرچه با دای فتن میگویم نه رجال دولت نه  
اعیان مملکت . نه وزرا . نه وکلا . نه انجمنها . نه  
کسانیکه کار از ایشان ساخته است بدون استثناء هیچکدام  
بوظیفه خود عمل نمیکنند و بهمه فکری هستند جز فکر  
آسایش ملة و رفع خرابی مملکت از اول این دوره که  
بروز و ظهور انقلاب در این مملکت شد اولی را جلو نکرقتند  
دومی غلیظتر شد بفکر دفع آن نیافتادند سیمی رنگین تر  
شد چهارمی را با اقدامات مجذانه از سر باز کردند  
پنجمی از همه بدتر شد همین طور روز بروز در هر ناحیه  
قتل و غارت و هرج و مرج بر پا شد تا با بیچار رسیده که  
پیدا است لابد با این اغراض شخصی و نفاق بی اندازه  
که من در وزراً مشاهده مینمایم از این بدتر ها را انتظار  
دارم مثلاً وزیر داخله با نر ماقرما شاید در زمانی دلخوری  
شخصی یا نوعی پیدا نموده است امروز موقع تلاقی بدستش  
میافتد استعداد جهة او تپه نمیکنند و نمیفرستد یک قطعه  
مملکت بگرداب قنایانند — مثلاً با آنها اصرار صاحب  
اختیار را جناب رئیس الوزرا بفارس روانه میفرمایند و وعده  
فرستادن قتون و سوار برای حفظ امنیه و وصول مالیات  
میدهند چرا تا بحال وفا بعهده نشده است جز اینکه بگوئیم  
دلخوری شخصی درین است یا خدا نخواست نوع دوستی  
و وطن پرستی درین نیست . الا شخص رئیس الوزرا بهتر  
از من و دیگران اهمیه فارس و نفاق اهالی آرا میدانند  
و مسلماً میدانند که بی استعداد کافی نه مالیات وصول  
خواهد شد نه امنیه برای اهالی حاصل خواهد کردید  
انوقت است که صاحب اختیار هم خائن دولت و ملة نامزد  
خواهد شد هم مملکتی مثل فارس یک پارچه آتش سوزنده  
خواهد کردید — مکرر عرض شده که مارا بتضییع  
فرماقرما یا صاحب اختیار یا دیگران دل نمیسوزد تمام فریاد  
های ما ما فقط برای حفظ این یک مشت رعیة بیچاره و